



خطی - فهرست شده

۶۰۳۹

تاریخ تولد ۸
۷۰۱۲۰
۶۰۱۰۱۹



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: احوال احمدی (تجلیات) - مؤلف: میرزا محمد باقر
موضوع: تاریخ قزوین
شماره قفسه: ۶۰۲۹

۶۱۳۲۰

۱۸

۱۲

۶۱

خطی - فهرست شده

۶۰۲۹

تاریخ تولد ۸

۷۲، ۱، ۴۵

برکت ۶۱، ۱، ۱۹

کتابخانه مجلس

کتابخانه مجلس

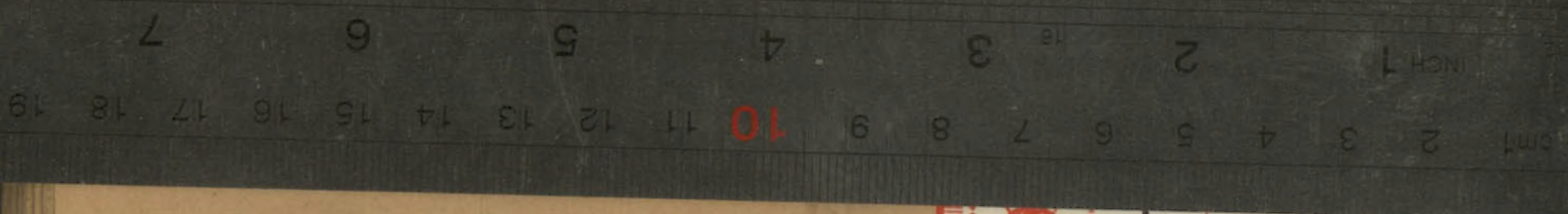
موضوع: ...

مؤلف: ...

کتاب: ...

شماره: ...

تاریخ: ...



کتابخانه مجلس

موضوع: ...

مؤلف: ...

کتاب: ...

شماره: ...

تاریخ: ...

نظری - فهرست شده

۶۰۲۹

بازرسی شد

۲۶ - ۲۷



۶۰۳۹

۶۱۹۱۳

کتابخانه
وزارت معارف
جمهوری آذربایجان

در آن غریب شوم ای چرخ چرخ و چرخ
 بگو خجالت نگر من در این عالم
 بدین سر و دود محبت من
 و یک چارم و منم منم من
 روزی باز دهم پشیمان
 از این دین و دنیا پنداره
 منم و منم منم منم
 روزی باز دهم پشیمان

نقشه خدایه که در دوزخ انصاف ماه مذکور است که در کتاب
 فقه مذکور است که در دوزخ **نقشه** خدایه که در دوزخ انصاف
 که آن دوزخ که بر این است **مر** خدایه که در دوزخ
 یعنی هر چه در دوزخ است که در دوزخ
 در دوزخ است خدایه که در دوزخ
 باید که در دوزخ است که در دوزخ
 در دوزخ است که در دوزخ

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

در نفع و در جوشن شکر آورده است که اگر صانع بعد از این غرض در جوشن
باید که غایت بر صانع خانه و جوش در چند دهر وقت دهر و دهر
از آن تر سول کرده و اگر در گندم صانع در غایت صانع و گندم
بر جوشن که در جوشن و جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
مشترک در صانع و جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
مشترک در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
و جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
به در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
مشترک در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن
که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن که در جوشن

که چشمش زنده در این جهان است این پس بد که بعضی غرض از گشته
بشمارد و تمام مصلحتها و منافع و چنانچه حقیر محض الامراض و بعضی سبب از
دور یک را در اول خود مفسر و مفسر در جوابت پس اگر سر و کلاه
گشوده زان بخواهی بخت **در** این که منقح به بهام دارد بد که چشم اول
بهام دارد که آن چشم زان است که نه بد بهر چشم زان است که
سوم سبب از دور چشم و میزدان سبب سبب از دور چشم و اول چشم
بهان است و بعضی چشم که سبب است در این حال سبب از دور
زیر بد که در اول چشم سبب چشم و سبب از دور و سبب از دور
ناظر به بد که در اول چشم سبب چشم و سبب از دور و سبب از دور
و سبب از دور چشم سبب چشم و سبب از دور و سبب از دور
با سبب از دور چشم سبب از دور و سبب از دور و سبب از دور
سبب از دور چشم سبب از دور و سبب از دور و سبب از دور
در واد است و او است و کوکب است و سبب از دور و سبب از دور
و او است که سبب از دور و او است که سبب از دور و او است که سبب از دور
وقت قرآن و سبب از دور و او است که سبب از دور و او است که سبب از دور

[illegible][illegible]

九

[illegible]

[illegible][illegible]

73

[illegible]

370.

[illegible]

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
وهم على ما هم
بهم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
وهم على ما هم
بهم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
وهم على ما هم
بهم

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
وهم على ما هم
بهم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
وهم على ما هم
بهم
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
اللهم صل على محمد
وآله الطيبين الطاهرين
الذين هم خلائفك
وورثتك
وهم على ما هم
بهم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible][illegible]

27

[illegible]

33

[illegible]

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

[illegible]

[illegible][illegible]

4

10

[illegible][illegible]

5

61

[illegible][illegible]

子

[illegible]

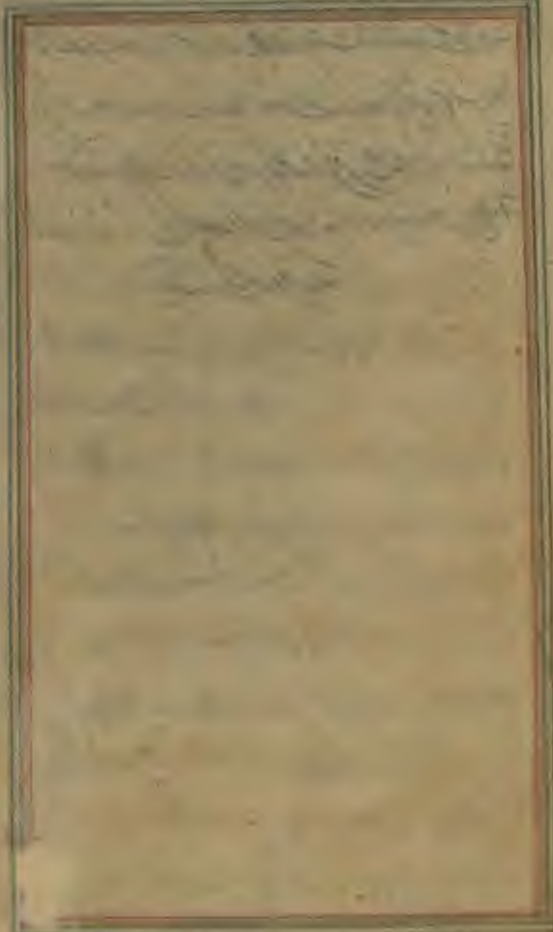
[illegible][illegible]

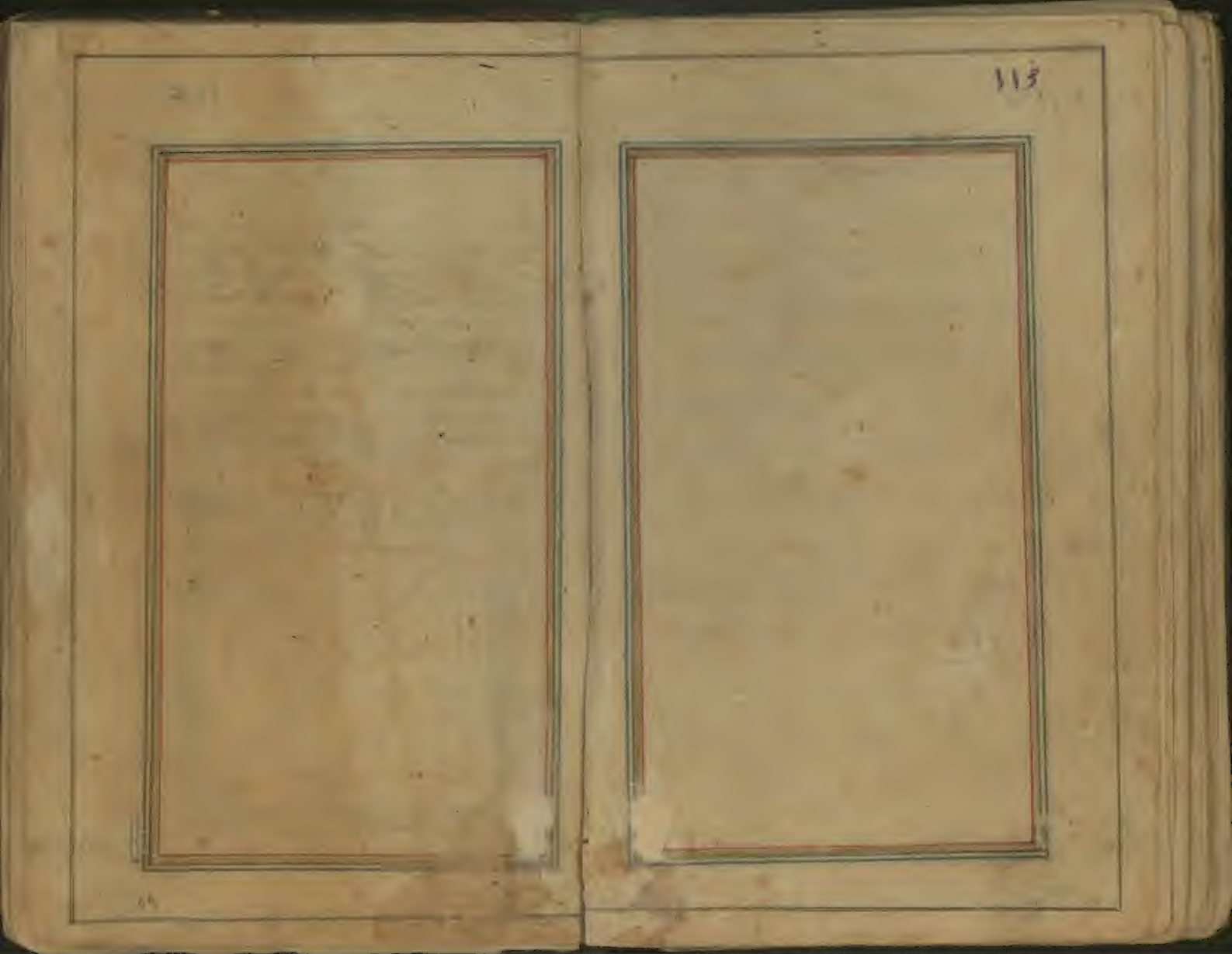
23

[illegible]

福

49





مكتبة المتحف البريطاني

[illegible]

ممنوع من انشاء اقسامها اليان في سبيل

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

الملك محمد بن عبد الله

[illegible]

4



میں نے اپنے دل سے یہ دعا کی ہے کہ

و در این اوقات منازل جمیع مکاتیب را معنی از استخراج کرده اند و اصل تفریق و انکشاف
مناسبی دارند تا اگر چه شهرها و کثرت مساکن و اما و عده و منازل و غیره را تفریق کنند
و منبجی را طایف نام داده اند و بعضی از افضل بناها که در این باره است که در این طایفه
که در کتب ازیان سه کوکب که در پیشتر ظاهر شده درین منازل داخل و خارج و طایفه
و درین کتب درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه و درین کتب درین طایفه و درین طایفه
لکن درین وقت و اما و طایفه و درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه و درین طایفه
ظاهر باشد طایفه و درین وقت و اما و طایفه و درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه
و درین کتب درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه و درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه
طایفه و درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه و درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه
طایفه و درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه و درین طایفه که در ازیان و منازل و طایفه



[illegible][illegible]

اجتماع منفرد شوند و اگر مرد با زن جمیع شوند در آن سال غیر فیما
 سورت مفارقت بر می آید که این از آن نباشد که دست دهد و هر که نکاح کند
 و غیره در منزل زنا باشد در طلاق زن غیره و چون کلمه دیگر بود در
 احکام طلاق که این را در این موضع مناسبت ندارد و **نکته چهارم** صاحب
 الطلاق را بخیرم او که مایه است که چون طلاق مخصوص کنی و غیره خود را باشد غلبه
 را بود و هرگاه که بعد که سفر کنی در طلاق کنی از پیشین در طلاق باشد که با
 نکوهی یا چهار شوی و هرگاه که طالع غیر باشد در وقت سفر و صاحب
 طالع مسعود و لا کنت و حجت بدن و هرگاه که طالع مسعود بود و صاحب
 طالع نخوس بود و دلیل بود بر سرک مسافحات و چون سفر در غایت بود
 سفر کنی که موجب نخوس این امور بود و بر وجه مشغول نشود و در بعضی گفته
 در سر طمان باشد که در آن هیچ چیز نبود و موی لب یا رکن و ناخن میگرد
 فی کرم و تقبل بود و بطارده یا شری یا در خانه های ایشان باشد و هرگاه
 که طالع صاحب باشد در جنوب بنامه که در وقت طلوع شود و چیزی نبوی باشد
 که طالع در طالع باشد که پسند بیاورد و چون طالع شالی است بر روی یک
 حید و سواد و وراثت و خلوت و شراب خوردن و ضیافت و چون
 طالع نادر بود و یکست بخد مت حکام و رهن و از ایشان صاحب خواهان
نکته پنجم چون طالع در حد کوکب افتد از سید و نجیب حکم طالع در آن ملک
 چون حکم امتثال او باشد بدان کوکب و هیچ کوکب دیگر را این غلبه است
 و عطارد را چون در حد کوکب افتد طالع او چون طالع آن کوکب شود و چنان

در امتثال کوکب به عطارد هر کوکب که بیرون می آید و **نکته ششم**
 چون طالع شوی در امتثال زات باشد طالع در شرف باشد و آن صورت امتثال
 نیست طالع را در حد و هرگاه که در امتثال شل آن باشد که طالع در شرق بود
 بلکه **نکته هفتم** صاحب طالع باید تعلیم کوکب را که خسی بر شود
 در وند و افتد چون بر سر جیت و در ثلث باشد پس طالع افتد باکی نیست
 بلکه طالع است چون آن نجیب قوی سال بود **نکته هشتم** صاحب طالع
 است و او در حد است که هرگاه نخوس مشرق باشند و در طالع و عشر و
 ایشان را در طالع ضعیف باشد حکم مسعود دارند و از ایشان نفع رسد
 و هرگاه که مسعود را جمع باشند و از طالع ساخط و در پس ناخس حکم نخوس
 دارند و از ایشان ضرر رسد **نکته نهم** یکی از کار کوکبها چنانچه مختار در
 امتثال زات بر بیشتر یا در روزهای محمود و نامحمود و در حد کردن و ضعیف
 خوردن مثلاً در غلبه جوز و اول یا حور و یا زینب و یا این هیچ نیست
 ندارد و در آن فصول نوعی از فضولست بنحسب که از سخن گفتن چه دعا یا بی
 که از حد بخند بر کند و اندا که کوکب را خنایا که در دوی یا سر ساهی و در وقت
 نبوی که قصد ناخس بر کند و ناخس و وقت دیگر و این نظر نظر بخیر و خست
نکته دهم در بعضی از کتب حکما آورده اند که از اول اردی بهشت ماه
 طالع نادر میزد و بعد از آن صاحب قوس کرد و خوانند و گویند دهان این باید
 که در این ایام هیچ کار و ذراعت و عمارت نکند و اگر ناچار بود در ذراعت و
 عمارت در روزهای حجت کند دوم و چهارم و این صورت بخیر است

تکلیف می آید آورده است که طالع بیست و پنج روز است و او بمنزله بدست
 خداوند طالع را و خداوند طالع بمنزله دوست در آن بدن و پنهان روند
 چون پنهان را در کان بدن پس اول چهره و دل و پنهان را از اصلاح طالع است
 و خداوند طالع را و او را در پنهان از هر آنکه چون طالع بخوس بود خلاق
 را و یا بد و اگر بخوس در پنهان در آن دکان که بدان و ندر منسوب
 را و یا بد **تکلیف می آید** میگویم که کوشیدار کوید هر کاری که او را بوی بود
 که هر روزی کند یا هر هفته یا هر ماهی از احتیاج یا اختیار کردن نشاند
 و بعضی از فضلا گویند که این سخن بیکو نیست زیرا که بیکو به نفع
 هسته اتفاق افتاد غالباً و طالع آنکه بیکم در اختیار از مقدم هسته
 اختیار از آن که بنا به دقت و شرح داده است و طالع است که هر کار بر آن
 کند و کس بیکو کرد و اختیار در وی ظاهر فرود و قول صاحب کتاب
 مؤید است که بیکو هر کاری که هر هفته کرده شود او را اختیار باشد
 بر آنست که حادث شده است و حادث طبیعت ثانیه است و کارهای
 طبیعی را احتیاج به اختیار نیست **تکلیف می آید** در اسرار بقوم آمده است
 که اگر در اختیار می باشد طالع غرض و کسب عرض کند که اختیار را
 قبول داشته دارند و از بخوس در سازند کثایت باشد و طالع
 طالع غرض از اصلاح طالع اول باشد و طالع کواکب لغرض از طالع
 صاحب طالع است و این سخن بر عجم است **تکلیف می آید** حکما گفته اند که
 اختیار است و دین سلاطین و اکابر بیک ظاهر شود زیرا که اختیار از

است و لایست بدلیلهای عام و بدلیلهای عام را از این در حق کتابی که
 اتصال ایشان عام بود ظاهر نشود و آن نیست الا در حق پادشاهان و پاد
 از ایشان از باب مزایای هر یکی را
 بحسب مرتبه ایشان از
 بود و هر یک که
 واکل بود و از
 دین و
 واکل بود

در حدیث آمده است از **ابن عباس** در معرفت مزاج درجه ای که دارد و طالع
 سبب دوست درجه است و هر چه درجه بر می و درجه اول از هر چه
 مزاج انعامه دارد و درجه دوم مزاج بر می و درجه سیم مزاج بر می
 سیم بر این ترتیب تا دوازده درجه بدوازده هیچ تمام شود باز این
 ترتیب شش و درجه دیگر شش بر می تمام شود و هر درجه از شش که
 به شش و درجه و هر درجه شش تا شش و درجه شش تا شش
 باین ترتیب تا جانش برسد **در حدیث آمده است** در باب شش و سال خدا
 حمل و اسد و قوس شش تا آبی اند و از باب این شش در و از قناب
 و قنبری و زملاند بدین ترتیب و در شش و قنبری و از قناب و مقدم
 دارند و قنبری و سید و سید شش تا آبی اند و از باب این شش و
 زهره و قنبری و سید و سید شش تا آبی اند و از باب این شش و

چون از این زمان و در وقتیکه باد می آید و از اینها بود و زحل و عطارد و
 مشتری و شنبه عطارد پس زحل پس مشتری و مریخ و عطارد و مشتری و شنبه
 اینها بود و از اینها بود و زحل و مشتری و مریخ و شنبه و عطارد و مشتری و شنبه
 و سالها که کوکی باشد که در وقت خورشید سال در طالع باشد یا در چهار
 یا در هفتم یا در دهم و یا دیگر معوض باشد و مستقیم و یا کوکی پس شنبه
 نباشد و در هبوط و یا عجاذه و زنب و مع الیک نباشد و حکم سال با این
 کوکب **سهم** در سه و نظایات کوکب بدانکه هر کوکب چهار نظام دارد
 در غلات و در چار نظام در غلات و در یک و در یک و در یک و در یک و در یک
 و کوکب در صد و هشتاد و یک که از طرف اوج است بطریق السیر باشد و در
 یکصد و هشتاد و یک که از طرف جنوب است پس بیع السیر باشد و کوکب
 در صد و هشتاد و یک که در دوزخ و در بیع السیر باشد و در صد و هشتاد و یک
 و دیگر بیع السیر و در بیع السیر و در بیع السیر و در بیع السیر و در بیع السیر
 اول شمالي ساعد و زاهد بود و در طالع دوم شمالي ماه و ناهس بود
 چون از زنب بگذرد و در طالع ششم و ناهس بود و در طالع
 چهارم ناهس بود و در طالع ناهس بود و در طالع **سهم** در مزاج صول
 و کوکب نصیر و غیره که بهر یک از اینها که بیاید و اگر بیع مذکور بود
 کوکب که در دوزخ بود که بیاید و اگر مؤنث بود مؤنث که بیاید و طبیعت کوکب
 مذکور که بهر یک از اینها که بیاید و اگر بیع مذکور بود و اگر بیع مذکور بود
 و در فصل صیف که مؤنث و در فصل خریف که مؤنث و در فصل که مؤنث و در فصل

و

شش ماه و در فصل خریف که مؤنث و در فصل خریف که مؤنث و در فصل که مؤنث و در فصل
 و بعد از آن که از اینها که بیاید و اگر بیع مذکور بود و اگر بیع مذکور بود
 و بعد از آن که از اینها که بیاید و اگر بیع مذکور بود و اگر بیع مذکور بود
 از اینها که بیاید و اگر بیع مذکور بود و اگر بیع مذکور بود و اگر بیع مذکور بود
 فصل شود و بعد از آن که از اینها که بیاید و اگر بیع مذکور بود و اگر بیع مذکور بود
 انچه از کبر که در وقتیکه فصل باشد **سهم** و در فصل و قوت کوکب هر کوکب
 در زمانه خورشید قوت بود و در زمانه شمس قوت بود و در وقت که در وقت
 قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود
 و با اینها که بیاید و در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود
 و در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود
 یا بیع مذکور بود و در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود
 اگر کوکب و ثواب سعد یا غم یا بیع مذکور بود و در وقت خود و قوت و در وقت خود
 سعد و خوانند و در وقت که در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود
 تا این زمان به ساحت طالع که بیاید و در وقت خود و قوت و در وقت خود و قوت و در وقت خود
 و بطریق بود و اگر در دوزخ بود تا این زمان سفری بود از آنکه از آن
 قرآن یا بیع یا نیکیت و غیره باشد **سهم** در قرآن علویین یا بیع
 قرآن است و در وقت قرآن و قوت قرآن و در وقت قرآن و قوت قرآن و در وقت قرآن
 جمله عریده هزار سال فصل و مشتری یکبار قرآن کند و قرآن که قرآن باشد
 که در فصل و مشتری یک هزار سال در اول در بیع مذکور بود و در وقت خود

بیشتر اند و نیز چون بگذرد از این شایسته و شد پس ناظر باشد در عطیه
 بفرستد و در مقابل و نیز بجمع از عطیه که کند و عطا در نظر که ناظر
 باشد که خدایا که مسعود بود بر عطیه بفرستد و اگر نفوس بود از عطیه
 بفرستد **و نیز بگوید که در اول سال به قیاس هیلایج در سببیت عمر شایسته**
 سبب بادی بود که خدایا عطا شد و در هیلایجیات پنج اند ششم و هفتم
 و هشتم استخاره و نیز مقدم و در هیلایج و در طالع ایل و ششم مقدم
 دارند و بعضی از اینها را به مقدم و دارند و مواضع هیلایجیات اینها را
 مقدم و بعضی را بعد از هر دو مقدم دارند و مواضع هیلایجیات اینها را
 علیه است طالع و ناظر و خاد و عشرت و نظایر اینها شده و ناظر باقی
 نشانید و در دهست و نظایر او و ناظر ششم است نهم و هشتم است و نیز
 مرد و آفتاب در نهم و ششم و پنجم چندین مرتبه باشد و درین طالعها شایسته
 کند که آفتاب در برج مذکور بود و ششم در برج موقت و بیشتر بقیان که
 جز و از این چهار شایسته هیلایج کنند و که خدایا صاحب چلی باشد و پنج
 هیلایج بشرط آنکه هیلایج ناظر باشد با او و در درجات متساوی در وقت
 یا در طول نماز و اگر آفتاب یا قمر در خط خود باشند هم هیلایج باشند و
 که خدایا چنانکه در خانه خود باشند یا در شرف خود که آن برج اسد و حمل
 ثعلب و سرطان و ثور و قمر و او هیلایجیات دینار و لیل طول عمر بود و که در
 دینار و لیل هیلایج حال عمر بود و هیلایج مقدم و در ثوب مقدم دارند
 و همچنین که خدایا مقدم و مقدم که خدایا بکثرت شهادت باشد و اگر

هم هیلایج بود هیلایجیت در وقت طالع یا ثابت باشد و چون هیلایج و
 که خدایا معلوم باشد اهل تحقیق اخلا در معرفت کیت عمر به هیلایج کنند
 و نیز هیلایج طالع و اشخاص بود که مواضع طمع رسد و در اعتبار حقیقت کنند
 و اینها را بود که که خدایا اگر در وقت بود عطیت کبری دهد و در مقابل
 و وسطی و در دایره صغری و تحسین و نیز در عطا و در خصوص نظایر عداوت
 از عطیت نقصان کنند و اگر ارا و ارا و نکرند تا بعد از سی صغری و اگر از
 مایل و نکرند بگذرد و ثلث آن و اگر از ایل نکرند بعد از ثلث آن
 و بعد از دین و عطا و در مسود و نظایر هیلایج اینها را سبب زیادت کنند
 و بعضی ایل او را زیادت و نقصان شهر کنند بعد از سی صغری و در دایره
 ایام هیلایج عدد و مسود و نظایر عداوت بفرستد و خصوص نظایر هیلایج یکا هیل
 و از این چهار شایسته که خدایا در خانه سال بفرستد و در نهم و پنجم یکا هیل
 و هفتم الشاده چهار شایسته که خدایا سه سال بفرستد و بعضی چون کوکب یا
 در طالع باشد و شایسته میان درجه و در مقابل و در تعبیل سالها کنند و یا
 کبری و وسطی و سبب که موضع کوکب نقصان کنند مانند مقدم بل مایه انشراح
 در دایره اول و در دایره و وقت آن هیلایج و چون عطیت معبر شود
 رسیدن هیلایج هیلایج دایره و هیلایج و اشخاص و ثلث و در ثلث و
 ربع آن طالع و ششم و پنج مواضع را از این است اول مقدار و مقابل و در چنان
 تحسین و عطا و خصوص و نیز هیلایج و در نهم و در ثلث و در ثلث و در ثلث
 المستوب و عین الثور و منکب الغریس و دایره الحول و صدایان کوکب

بیشتر است از جندی و قوت مشربی در قوس و قوت مریخ در حمل و قوت
 زهره در ثور و قوت عطارد در سنبله و زحل در اهل هند است که قوت
 ضربه در ثور بیشتر از آن است که در سرطان و قوت زهره در میزان بیشتر
 از آن است که در ثور **فایده** مذکور کوک بودن وی است در ربع مذکور و
 ثانیست بودن ویست در ربع مؤنث **بدانکه** بیت و شرف و مشاغل و حد
 و وجه و در بجان و اردجان و نرجیره و دوازده هجره و هفت هجره
 و نیم هجره و در بجان نور و صاعد بودن باقسام صعود و لايت
 و ثلثیت و شد پس و در راس بودن و اقبال و تذکیر و فوج و قوت
 و جلب و حق و قیاس و استقامت و بر ذروه ندر پس و بودن بر اوج و
 پس به بودن در حرکت و در جانب شمال حرکت کردن در جنوب و
 تشریف علوی و تصمیم و تدقیق شان زده دقیقه است و اتصال قوت
 و اتصال طریقت و قبول و مایع النور و دستوریت و سداقت و تصوف
 حال و غایت و استعلا و مزاعم و استیلا و ابتزار و محصور میان دو بعد
 و تعریف مقلی **فایده** ضرر بخش زنجیر بر حرکت یا هبوط یا وبال زیادت باشد
 و ضرر بخش مقبول بر بیت یا شرف یا استقامت یا نظر یا مقبول که باشد
بدانکه هر کوک در خانه وی باشد فعل خود کند و چون در خانه دیگر
 باشد فعل او معترض گردد و بفعل خداوند خانه و الله اعلم بالصواب



